



IN SAFE

Case No. 10854 Date of filing: 18.12.86

|||

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of MR. MOSTAFVAVI  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English - 11 pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

111

دیوان داوری

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL



IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
 دادگاه دیوان داوری  
 ایران - ایالات متحده

**ثبت شد - FILED**

Date 18 DEC 1986  
 ۱۳۶۵ / ۹ / ۲۷

No.

پرونده‌های شماره ۱۰۸۵۶/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۳  
 شعبه یک  
 حکم شماره ۱- ۱۰۸۵۳/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۶-۲۸۲

DUPLICATE  
 ORIGINAL  
 نسخه برابر اصل

۱۰۸۵۴  
 یان ال. مک هارگ (پرونده شماره ۱۰۸۵۳)،  
 ویلیام اچ. رابرتس (پرونده شماره ۱۰۸۵۴)،  
 دیوید ا. والاس (پرونده شماره ۱۰۸۵۵)،  
 تامس ا. تاد (پرونده شماره ۱۰۸۵۶)،

دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار  
 مطروح توسط ایالات متحده آمریکا،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

\_\_\_\_\_

نظر مخالف محسن مصطفوی

\_\_\_\_\_

من با رای پرونده های ۱۰۸۵۳-۶ در چند جهت مخالفم. در مورد مالیات و بیمه های اجتماعی و نرخ تسعیر ارز قبلاً اظهار نظر کرده ام و نیازی به تکرار نمی بینم اما در سایر

موارد نظر من بشرح زیر است :

۱- بنظر من اکثریت با پذیرش لایحه ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵ خواهان اقدامی خلاف رویه خود انجام داده است. دیوان در دستور مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۶/۲۶) در پاسخ به درخواست تمدید خواهان و باقبول این درخواست که پیایی صورت گرفته بود اعلام داشت: "باتوجه به جلسه استماع تعیین شده، بدون ارائه دلیل مشخص و موجه هیچگونه تمدید دیگری بعمل نخواهد آمد" و چون مجدداً از طرف خواهان درخواست تمدید شد دیوان ضمن اجابت این درخواست این بار بمنظور جلوگیری از تمدید وقت در دستور مورخ ۸ نوامبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۸/۱۷) تصریح و تاکید نمود: "طبق برنامه تنظیمی جلسه استماع مشترکی در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۵) برگزار خواهد شد. باتوجه باین امر دیوان بهیچ وجه مهلت را تمدید نخواهد نمود" (تاکید اضافه شده است). با این وجود خواهان بار دیگر بعد از اینکه ترجمه فارسی مکمل دادخواست و پاسخ به دفاعیه ایران تهیه نشده است درخواست ده روز تمدید نمود. دیوان باین درخواست پاسخی نداد ولی ده روز بمهلت خوانده برای پاسخگویی اضافه کرد. اکنون دیوان بدینشرح لایحه مذکور را موردقبول قرار میدهد:

"ایران به پذیرش مدارک مستند و لایحه توجیهی خواهان معترض است، زیرا متن فارسی آنها ده روز دیرتر از موعد به ثبت رسیده است. نظر دیوان داوری اینست که با تاخیر مزبور حق ایران تضییع نشده، چه مهلت ایران هم جهت ثبت مدارک مستند و لایحه توجیهی خود، به همان اندازه تمدید شد. علاوه براین، عمل دیوان در رد لوایح بعد از استماعی که در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۴ تا ۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵) با تاخیر به ثبت رسید، متناقض نیست. در پرونده یادشده، دیوان طی دستوری که متعاقب جلسه استماع صادر کرد، درخواست خوانده جهت ثبت لوایح پس از استماع را پذیرفت. معذک، در دستور تاکید شد که قبول درخواست توسط دیوان فقط به علت "اوضاع و احوال استثنایی این پرونده" بوده است. بعلاوه، دیوان در آن دستور تصریح کرد که مهلت ثبت لوایح پس از استماع را به هیچ وجه تمدید نخواهد نمود. بطور

خلاصه، دیوان ضمن مبادرت به اقدام غیرعادی قبول لوایح پس از استماع، متذکر شد که مهلت های مقرر برای ثبت باید اکیدا رعایت شود. از این رو، هنگامی که لوایح پس از استماع با تاخیر به ثبت رسید، دیوان باتوجه به این که تاخیر هیچ گونه دلیلی نداشته و هیچ پیش آمد غیرمنتظره‌ای رخ نداده بود، از قبول آن لوایح خودداری کرد. بدینسان، روشن است که استناد به [پرونده] کامپیوتر ساینسز در اینجا بی مورد است. دیوان لایحه خواهان ها را می پذیرد.

در صورتیکه اولاً "تأخیر در ثبت لایحه تنها مربوط به متن فارسی نبود بلکه هر دو لایحه با یکدیگر در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵ ثبت گردید و این نکته بوضوح از تاریخی که بر روی هر دو نسخه فارسی و انگلیسی قید شده مشخص است. ثانیاً "اینکار با رویه‌ایکه دیوان در پرونده ۶۵ نسبت به خواننده ایرانی اتخاذ نمود کاملاً مغایر است. در این پرونده بموجب دستور مورخ ۲ جولای ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۴/۱۱) به خواننده فرصت داده شد که تا تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۵ لوایحی به ثبت برساند و اضافه گردید "دیوان برای ثبت لوایح بعد از استماع بشرحی که در بند ۲ بالا آمده است تمدید مهلتی نخواهد کرد". لکن خواننده در ثبت لوایح تاخیر نمود. شرح این موضوع در بند ۲ دستور ۴ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۶/۱۳) باین ترتیب آمده است :

"خواننده ایزایران در تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ۱۳۶۴) متن فارسی لایحه بعد از استماع خود را تسلیم کرد. در تاریخ ۸ اوت ۱۹۸۵ (۱۷ مردادماه ۱۳۶۴) ایزایران پیوستهای لایحه بعد از استماع خود را به فارسی تسلیم نمود. خواننده صنایع هواپیمائی ایران در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۸۵ (۲۱ مردادماه ۱۳۶۴) لایحه بعد از استماعی به ثبت رساند. خواننده بانک ملت در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۸۵ (۲۳ مرداد ماه ۱۳۶۴) لایحه بعد از استماعی به ثبت رساند و ایزایران در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۵ (۲۹ مردادماه ۱۳۶۴) لایحه بعد از استماع و پیوستهای آنرا به انگلیسی و فارسی ثبت نمود."

دیوان طی همین دستور باین استدلال لوایح مذکور را نپذیرفت:

"باتوجه به نظر صریح دیوان در دستور مورخ ۲ ژوئیه ۱۹۸۵ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۴) خود دأثر باینکه مهلت مقرر جهت تسلیم لوایح بعد ازاستماع راتمدید نخواهدکرد، و باتوجه باینکه هیچگونه دلیلی برای تاخیر خواندگان در تسلیم لوایح خود ذکر نشد و وجود هیچگونه شرایط غیرقابل پیش بینی که میتواند در ثبت لوایح موثر باشد به اطلاع دیوان رسانده نشده بنابراین لوایح بعد ازاستماع خواندگان، صنایع هواپیمائی ایران، بانک ملت و ایزایران که بترتیب در تاریخهای ۱۲ و ۱۴ و ۲۰ اوت (۲۱ و ۲۳ و ۲۹ مردادماه ۱۳۶۴) ثبت گردیده پذیرفته نمیشود".

دیوان بخوبی از شرایط خاص خواندگان که ناشی از اوضاع و احوال جنگ بود آگاهی داشت حتی چند ماه قبل از این تاریخ بجهت تهدید عراق به حمله به هواپیماهای مسافری برنامه های استماع دیوان و مهلت ها بترتیب خاصی تجدید میشد. مسئله بمبارانهای تهران موضوعی نبود که از نظر دیوان مکتوم باشد بلکه کتبا و شفاه باطلاع دیوان رسیده بود. در این پرونده نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران طی نامه مورخ ۵ اوت ۱۹۸۵ (مدرک ۲۳۶) درخواست پانزده روز تمدید کرده و ضمن آن توضیح داده بود "دراجرای دستور مورخ ۱۹۸۵/۷/۱ دیوان هم امروز متن فارسی لایحه پس از جلسه استماع ایزایران ثبت گردید. راجع به متن انگلیسی لایحه مزبور و نیز لوایح دیگر خواندگان باید بعرض برسانم که آنها نیز تهیه و از ایران ارسال شده اند ولی هنوز بدست اینجانب نرسیده اند". دلیل تاخیر خواندگان روشن بود و چنان نبود که دیوان اظهار دارد "هیچگونه دلیلی برای تاخیر خواندگان درتسلیم لوایح خود ذکرنشد". نامه مورخ ۲۴ سپتامبر نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به این قرار هرچند بعد از تاریخ صدور قرار نوشته شده، بوضوح اوضاع و احوالی را که دیوان از آن آگاهی داشته و عالمانه موردغفلت قرارگرفته است روشن میکند. در این نامه چنین آمده:

"دیوان درمقام استدلال که چرا از میان ۵ فقره لوایح و اسنادی که خواندگان تقدیم داشته اند، نمی تواند سه فقره از آنها را بپذیرد نخست جمله ای را که در دستور ۲ ژوئیه ۱۹۸۵ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۴) خود درج کرده بود یادآور می شود، و سپس می افزاید که هیچگونه دلیلی برای تاخیر خواندگان در تسلیم این لوایح ذکر نشده است.

در این باره توجه دادگاه را به پاراگراف دوم از نامه<sup>۶</sup> مورخ ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۵/۱۴) خود جلب می‌نمایم که در آنجا به عرض دادگاه صریحا<sup>۶</sup> رسانده بودم که کلیه<sup>۶</sup> لوایح خواندگان تهیه و حتی از تهران ارسال شده ولی هنوز به دفتر اینجانب نرسیده است تا تقدیم دیوان کنم.

این جمله با توجه به سوابق و حقایق مشهور و دشواریهایی که خواندگان ایرانی در ارتباط با تهیه لوایح و ترجمه با آنها دستبگیرباند و به ویژه با عنایت به شرایط بحرانی و فشارهایی که بر خطوط مواصلاتی داخلی و خارجی ایران حاکم است، بنحو بارز و گویا عذر قابل قبول و موجهی را برای عدم ثبت بموقع دیگر لوایح به عرض دادگاه می‌رساند. دراینکه زمان تعیین شده از سوی دادگاه از ابتدا زمانی بسیار محدود و غیرکافی بود تردیدی نیست. چه دستور مربوط در ۴ ژوئیه به دفتر اینجانب واصل گردید، و بنابراین خواندگان اگر در لاهه بودند فقط ۳۱ روز فرصت داشتند تا به مدارک و ادله و استدلالهای خواهان - که اندکی پیش از استماع در ۵ مجلد قطور ثبت کرده بودند و ۱۵ روز قبل از جلسه<sup>۶</sup> استماع به دست خواندگان رسیده بود - پاسخ گویند. درحالی که دیوان بدین نکته که فقط ارسال اوراق از دفتر من به تهران و بالعکس دست کم سی روز وقت می‌طلبد، بخوبی واقف است. باتوجه بدین واقعیت است که می‌بینیم همین شعبه در پرونده<sup>۶</sup> ۳۳ دو ماه پس از برگزاری جلسه استماع در دستوری که صادر می‌کند ۲/۵ ماه وقت برای ثبت نظر خواندگان پیرامون سندی، قائل می‌شود.

تهیه<sup>۶</sup> لایحه و پاسخ به لوایح و استدلالات خواهان در این پرونده، ترجمه و تایپ آنها و ارسالشان به لاهه کار سهلی نیست که بتوان در ۳۱ روز انجام داد. آقای هولتزمان داور آمریکائی شعبه در مورد مهلت ثبت لوایح خواهانهای آمریکائی اظهار می‌دارد که دیوان باید لااقل یک هفته وقت در نظر گیرد تا سندی به دست طرف آمریکائی برسد (نظر مخالف هولتزمان مورخ ۲/۲ دسامبر ۱۹۸۳ - گزارشهای دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده، جلد ۴، ص ۶۴).

بنابراین، وقتی که من در تقاضای تمدید مورخ ۵ اوت ۱۹۸۵ خود به عرض دادگاه رسانیدم که لوایح آماده و ارسال شده ولی هنوز به دفتر اینجانب نرسیده است، انتظار آن می‌رفت که دادگاه خود به این مشکلات توجه کند و شرایط و دشواریهای موجود و بخوبی شناخته شده<sup>۶</sup> خواندگان را خود به‌شمار آورد. نتیجه آنکه اینجانب به علت عدم ثبت بموقع لوایح که رفع آن در حیطه<sup>۶</sup> اختیار و امکان خواندگان نمی‌بود، در تقاضای تمدیدم اشاره کردم. باتوجه به شرایط شناخته شده<sup>۶</sup> حاکم و مشکلات موجود که بتواتر برای دیوان نقل شده و خود نیز عملا<sup>۶</sup> آنها را لمس کرده‌است، این یک توقع نابجا نیست که از دیوان انتظار رود که بخودی خود بهنگام تعیین

مواعد، مشکلات یک طرف اختلاف را در جریان داوری،  
به شمار آورد.

با وجود چنین سابقه ای دیوان نمیبایست لایحه تاخیر شده خواهان را بپذیرد بالاخص وقتی دیوان در قرار خود تصریح کرده بود که بعلت برنامه تنظیم شده برای جلسه استماع "دیوان بهیچ وجه مهلت را تمدید نخواهد نمود" (تاکید اضافه شده است). در پرونده ۶۵ جلسه استماعی هم مقرر نبود تشکیل شود یعنی مانعی برای تمدید وجود نداشت لکن در پرونده حاضر چنین مانعی دقیقاً برای تمدید مهلت وجود داشت.

من در این نکته کاملاً با اکثریت موافقم که "بنابراین بروشنی پرونده کامپیوتر ساینس با پرونده حاضر متفاوت است" زیرا در مورد پرونده ۶۵ مجوز تمدید وقت کاملاً و بوضوح فراهم بود لکن اکثریت دیوان از اعطای مهلت امتناع کرد اما در پرونده حاضر که امکان تمدید مهلت فراهم نبود اکثریت دیوان بزرگوارانه لوایح خارج از وقت را پذیرفت.

۲- خواننده در توضیح اظهارات خود در جلسه استماع چهار برگ نامه ارائه نمود که اکثریت باین استدلال آنها را مورد قبول قرار نمیدهد:

"در مورد نامه هایی که خواننده در جلسه استماع بدانها اشاره نمود، وی تا تشکیل جلسه استماع که طی آن می خواست به نامه های مزبور استناد نماید، توضیح کافی راجع به قصور خویش در عدم ارائه آنها نداد. به هرحال، دیوان بر این نظر است که در لوایح طرفین و سایر ادله و مدارک موجود به قدر کافی نکاتی که خواننده می کوشد توجه دیوان را با ارائه این نامه ها بدانها جلب کند، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به کلیه مراتب، نظر دیوان اینست که نامه های مزبور نباید پذیرفته شود."

سعه صدری که اکثریت در خصوص قبول لایحه خواهان نشان میدهد با سختگیری وی نسبت به نامه های ارائه شده از طرف خواننده انطباق ندارد. از چهار نامه ای که خواننده ارائه داده است یکی نامه ایست از خواهان به خواننده مبنی بر درخواست تمدید وقت برای رفع نواقص و دیگری پاسخ این درخواست است ضمن اعلام موافقت با تمدید مهلت که نمیتوان

گفت ارائه این نامه موجب غافلگیری و سلب حق دفاع خواهان میشود، بالاخص که مدارک خواهان نشان میدهد قبلاً از مضمون آن مطلع بوده‌اند. در مدرک شماره ۹۹ ضمیمه شماره ۱۵ طی تلکس مورخ اول اوت بعنوان دکتر دیوید والاس چنین میخوانیم "۴۵ روز از تاریخی آغاز میشود که نامه مورخ ۷۹/۷/۱۵ آنها بدست ما رسیده است نیت آنها اینست که در این مدت اقداماتی بعمل آورند. حاضرند برای موضوع بالا مدت زیادتری یعنی سه ماه مهلت بدهند". دو نامه دیگر نیز که خطاب به مهندسین مشاور W.M.R.T. است یکی پاسخ سازمان حفاظت محیط زیست است به نامه مهندسین مشاور نسبت به ادعای آنان دایر به عدم اجرای تعهدات از طرف سازمان حفاظت محیط زیست و اعلام نقائص و اخطار باینکه در صورت عدم رفع نقص طبق بند الف ماده ۱۷ قرارداد عمل خواهد شد و دیگری اعلام فسخ قرارداد باستناد بند الف ماده ۱۷ قرارداد که مضمون این نامه‌ها نیز در لایحه و مستندات خواهانها منعکس است و صریحاً نشان میدهد این نامه‌ها را وصول کرده و از مطالب آن مطلع بوده‌اند. مکاتبات ارائه شده در مدرک شماره ۹۹ ضمیمه شماره ۱۵ خواهان بوضوح نشان میدهد خواهان از مضمون نامه ۲۸ ژوئن خواننده دایر باخطار راجع به رفع نقص مطلع بوده و آنرا دریافت کرده است. در بند ۲ ضمیمه د ۱۵ مدرک فوق الذکر چنین آمده است :

"نامه‌ای بتاريخ یکماه پیش از اداره محیط زیست دریافت داشته‌اند که در آن اظهار شده است شرکت W.M.R.T. ترجمه فارسی اوراق را ضمیمه نکرده است. این اوراق در جلسه مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ باطلاع آقای فاردندراجونه‌جا رسیده و تصور می‌رود مربوط بادعای صداقت فرمینی بر عدم تکمیل اوراق مربوط به جمع ۲۰ درصد عملیات انجام نیافته میباشد. گویا در آن نامه به ۴۵ روز مهلت برای رفع نواقص اشاره شده است... بعد از سپری شدن موعد مذکور میتوانند بما قصور و غفلت نسبت بدهند".

مقایسه این نامه با متن نامه ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ خواننده دقیقاً نشان میدهد که تلکس فوق اشاره باین نامه دارد. در این نامه چنین آمده است :

"اشکالات گزارشها طی جلسه مورخ ۹ آبان ماه ۱۳۵۷ (۳۱ اکتبر ۱۹۷۸) به اطلاع آقای جوینی، منعکس و تاکنون در جهت اصلاح



آن هیچگونه اقدامی صورت نپذیرفته است ... شایسته است ضمن رفع اشکالات که در جلسه مورخ ۹ آبان ماه (۳۱ اکتبر ۱۹۷۸) متذکر شده است باستناد بند ۳ از ماده ۴ قرارداد فیما بین کلیه مراحل مختلف پروژه و گزارشهای خود را بزبان فارسی تهیه و ارائه نمایند. بدیهی است در غیراینصورت باستناد بند الف از ماده ۱۷ با آن موسسه رفتار خواهد شد."

تلکس مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۹ ( مدرک ۹۹ خواهان ضمیمه شماره ۱۶) با این عبارت "پیام اداره محیط زیست مشعر بر فسخ قرارداد پردیسان واصل گردید. فسخ قرارداد بموجب مفاد ماده ۱۷ الف صحیح نیست" بوضوح روشن میسازد که چهارمین نامه نیز در اختیار خواهان قرارداشته النهایه از آنجهت که آنها را بنفع خود ندانسته ضمن مدارک ارسالی از ارائه آنها خودداری کرده است. بدین ترتیب هرچند خواننده نیز این مدارک را در لوائح ارسالی خود ارائه نکرده ولی ارائه آن در جلسه استماع بخوانان لطمه ای واردنمیکرد و موجب تضییع حقوق او نمیشد. این شعبه در رای شماره ۱-۱۰۵۱۷-۲۲۲ هیئت امناء دانشگاه کلمبیا و جمهوری اسلامی ایران ضابطه پذیرش اسنادی را که دیر ارائه شده اند بدین شرح مقرر داشته: "دیوان هنگام اخذ تصمیم درباره اینکه آیا پذیرش سندی که بعد از مهلت مقرر ارائه شده موجب تضییع حقوق یکی از طرفین میشود یا نه محتوای سند و طول مدت و علت تاخیر را موردبررسی قرار میدهد". بنابراین درقبول یاعدم قبول سندیکه خارج از مهلت ارائه شده باید محتوای سند مورد نظر قرار گیرد. درحالیکه روشن است خواهان از محتوای سند مطلع بوده و قبل از طرح دادخواست آنها را دراختیارداشته و نسبت بآن عکس العمل نشان داده است، لذا ارائه آن در جلسه استماع موجب غافلگیری او نبوده و لطمه ای بحقوق او وارد نمیسازد. عدم قبول این اسناد با ضابطه ای که این شعبه تعیین نموده مطلقاً مغایرت دارد و دراین مورد متاسفانه باعدم پذیرش آنها به حقوق خواننده بنحو آشکار لطمه واردشده است.

۳- نکته اصلی در پرونده حاضر اینست که قرارداد بر مبنای ماده ۱۷ الف قرارداد خاتمه یافت یا براساس ماده ۱۷ ب. برای روشن شدن موضوع بهتر است متن قسمت مربوط ماده مذکور را موردبررسی قراردهیم. ماده ۱۷ الف میگوید:

"در صورتیکه بر کارفرما معلوم شود که مهندس معمار محوطه ساز عوامل فنی و علمی و تشکیلاتی لازم برای انجام وظایف موضوع این قرارداد را بموقع خود فراهم نساخته و یادقت لازم و معمولی که از یک مهندس معمار محوطه ساز انتظار می رود را در انجام وظایف خود اعمال نمی نماید... و یا اینکه مهندس معمار محوطه ساز بطور کلی مفاد تمام یا قسمتی از این قرارداد را رعایت ننماید کارفرما بمهندس معمار محوطه ساز اخطار خواهد کرد که نواقص و معایب کار خود را بر طرف سازد و مهندس معمار محوطه ساز موظف است نواقص و معایب مذکور را ظرف مدتی که در هر صورت نباید از یکماه و نیم تجاوز کند مرتفع سازد. در صورتیکه در پایان مدت مذکور مهندس معمار محوطه ساز مطابق اخطار کارفرما عمل نکرده باشد... کارفرما حق خواهد داشت بدون احتیاج بانجام تشریفات خاصی این قرارداد را با اخطار کتبی پانزده روزه فسخ نماید." (تاکید اضافه شده است)

ماده ۱۷ ب مقرر می دارد:

"کارفرما علاوه بر اختیارات مندرج در بند الف ۲ ماده ۱۷ حق خواهد داشت در هر موقع باین قرارداد خاتمه دهد. چنانچه بدلائلی سوای آنچه که در بند الف همین ماده آمده کارفرما بخواهد بقرارداد خاتمه دهد باید مهندس معمار محوطه ساز را حداقل دو ماه قبل از ختم قرارداد از نیت خود آگاه سازد. در اینصورت مهندس معمار محوطه ساز استحقاق دریافت مبالغ زیر را دارد..."

اکثریت معتقد است فسخ قرارداد بموجب ماده ۱۷ ب صورت گرفته و در این زمینه چنین استدلال میکند:

"... به غیر از ادعای وجود نواقص در ترجمه اسناد و بزرگ کردن نقشه های محوطه، خواننده عملاً نسبت به انجام این کار توسط دبلیو ام آر تی/ایران و مشاوران فرعی آن ایرادی ندارد و ادله و مدارک نیز به قدر کافی انجام آنها را اثبات می کنند. خواهانها اظهار می نمایند که دبلیو ام آر تی/ایران بدو" پس از مشورت با محیط زیست بزرگ کردن نقشه هارابه بعد موکول کرد، و بعداً" وقتی که محیط زیست از وی خواست که این کار را انجام دهد، شرایط فورس ماژور انجام آن را غیرممکن ساخت. همینطور شرایط فورس ماژور مانع از تکمیل کار ترجمه شد. دیوان داوری قانع شده است که اگر شرایط موجود آن زمان مجال می داد، خواهانها این نواقص را رفع می کردند. بنابراین، نواقص مزبور

نقض قرارداد محسوب نمی شوند تا خواننده را محق به استناد به بند الف ماده ۱۷ قرارداد نمایند. به عکس، به نظر دیوان مناسب می بود که قرارداد به استناد بند ب ماده ۱۷ آن فسخ شود. لذا، دیوان نتیجه می گیرد که نقائص مزبور نقض قرارداد نیست و صورتحساب قسط ماه هشتم باید پرداخت شود. صورتحسابهای مشاوران فرعی که خواننده ظاهراً "نسبت به کار آنان ایرادی ندارد، نیز قابل پرداخت است."

ضعف این استدلال باتوجه به متن ماده ۱۷ الف و ۱۷ ب روشن است. خواهان خود پذیرفته است که قسمتی از وظایفی را که عهده دار بوده انجام نداده است لکن اکثریت معتقد است

"بنابراین، نواقص مزبور نقض قرارداد محسوب نمی شوند تا خواننده را محق به استناد به بند الف ماده ۱۷ قرارداد نمایند."

در متن ماده ۱۷ الف حد و حدودی تعیین نشده است که کارفرما مجاز باشد در صورت تخلف از آن حدود قرارداد را فسخ کند. متن این ماده صریح است که اختیار فسخ منوط است باینکه "مهندس معمار محوطه ساز بطورکلی مفاد تمام یا قسمتی از این قرارداد را رعایت ننماید". ماده ۱۷ ب نیز مربوط میشود به حق فسخ جز در مواردیکه در بند الف آمده است. هرچند خواهانها معتقدند یعنی نفع خود را در این می بینند که قرارداد بموجب بند ب ماده ۱۷ پایان گرفته باشد معهذا عمل آنان نشان میدهد که توسل خواننده را به بند الف ماده ۱۷ صحیح میدانسته اند زیرا وقتی خواننده نقائص را بآنان اعلام میدارد و طبق قرارداد ۴۵ روز فرصت برای رفع آنها داده میشود بدون هیچ اعتراضی در استناد به بند الف ماده ۱۷ درخواست مینمایند که این مدت به سه ماه تمدید گردد لذا پس از انقضاء این مهلت عمل خواننده درمورد فسخ قرارداد با استناد بند الف ماده ۱۷ قرارداد طبق روش مقرر در قرارداد صورت گرفته است.

اصولاً "متن ماده ۱۷ صریح و روشن و بی ابهام است. این ماده به کارفرما اجازه میدهد در صورتیکه "مهندس معمار محوطه ساز بطورکلی مفاد تمام یا قسمتی از این قرارداد را رعایت ننماید" (تاکید اضافه شده است) قرارداد را فسخ کند. بنابراین دیوان نمیتواند بر آن

شرایط و قیودی اضافه نماید و اعلام دارد "بعلاوه نقائص آنچهان نبود که بخوانده اختیار بدهد قرارداد را بر مبنای قسمت الف ماده ۱۷ فسخ نماید".

این نحوه استدلال ندیده گرفتن حقایق عینی و افزودن مطالبی بقرارداد است که مورد نظر طرفین نبوده و توافقی بر سر آن صورت نگرفته است.

لاسه، ۲۲۶ ذرماه ۱۳۶۵، ۱۷ دسامبر ۱۹۸۶

مستیزی

محسن مصطفوی